



An Investigation on the Effect of the Bank Opacity on the Regulatory Forbearance

Sasan Mehrani 

*Corresponding Author, Associate Prof., Department of Accounting, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: smehrani@ut.ac.ir

Faezeh Mohammadi Oroojeh 

Ph.D. Candidate, Department of Accounting, Alborz Campus, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: faezeh.mohammadi@ut.ac.ir

Abstract

Objective: One of the recent debates in the banking system is whether the bank opacity is an optimal approach or not. On one side, the bank opacity is known as an important factor to banking crisis as it prevents users to better analyze the banks. On the other hand, the bank transparency as the opposite side of bank opacity may end in spreading financial crisis as it causes depositors to run to withdraw their deposits (bank runs). Bank regulators are responsible to monitor banks and making decisions regarding troubled banks. Regulators may decide to forbear instead of corrective actions for many reasons. Regulatory forbearance provides the troubled bank with the opportunity to recover and prevents costly intervention of regulators. However, some researches shows that the regulatory forbearance may let the troubled bank take more risk and ends with an increase in the cost of intervention. Forbearance is the most common practice of regulators especially in financial crisis during which limiting the loss of depositors' and creditors' confidence is one of the core purposes. Also, if the troubles of a bank get disclosed to outsiders, the regulator will be under pressure to close the banks. This study has implications for the debate of bank opacity and its role in bank regulators' policy selection.

Methods: To test the hypotheses, the OLS regression model is used for panel data analysis. Bank opacity is measured via 2 more popular methods used in recent researches. In addition, to control for confounding effects of different years, we added dummy variables to the regression models. The data obtained from the financial statements of 20 commercial banks from 2014 to 2020.

Results: Results show that the banking system suffers from crisis during the period of investigation and the bank opacity has a positive relation with regulatory forbearance. Furthermore, the results show that opacity is more important for forbearance when (1)

regulators' incentives are greater (as measured by bank connectedness) and (2) outsiders' incentives to monitor are stronger (as measured by the proportion of nondepository debtholders). In addition, results indicate that bank opacity has negative relation with the probability of failing during a crisis.

Conclusion: The findings indicate that the opacity enables regulators to forbear and contribute to the debate regarding bank opacity being optimal or not. This study furthers our understanding of the role of accounting in helping bank regulators to better define approaches they can take during a financial crisis. These results suggest that bank opacity can be desirable during a crisis period.

Keywords: Bank opacity, Banking crisis, Regulatory forbearance

Citation: Mehrani, Sasan and Mohammadi Oroojeh, Faezeh (2021). An Investigation on the Effect of the Bank Opacity on the Regulatory Forbearance. *Accounting and Auditing Review*, 28(3), 487-506. <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2021.324265.1008560> (in Persian)

Accounting and Auditing Review, 2021, Vol. 28, No.3, pp. 487-506

DOI: 10.22059/ACCTGREV.2021.324265.1008560

Received: April 23, 2021; Accepted: August 03, 2021

Article Type: Research-based

© Faculty of Management, University of Tehran

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی تأثیر عدم شفافیت بانکی بر توانایی اعمال سیاست چشم‌پوشی توسط مقام نظارتی

ساسان مهرانی

* نویسنده مسئول، دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: smehrani@ut.ac.ir

فائزه محمدی اروجه

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: faezeh.mohammadi@ut.ac.ir

چکیده

هدف: عدم شفافیت بانکی، در ارزیابی سلامت و ریسک بانک‌ها اختلال ایجاد می‌کند؛ اما شفافیت نیز همیشه مطلوب نیست؛ زیرا می‌تواند به گسترش عدم اطمینان به بانک‌های سالم و بروز پدیده هجوم بانکی منجر شود. یکی از وظایف مقام نظارتی، انحلال بانک‌های مشکل‌دار است؛ اما گاهی مقام نظارتی با اعمال سیاست چشم‌پوشی، به بانک‌های مشکل‌دار اجازه می‌دهد تا به فعالیت ادامه دهند تا خود را بازسازی کنند. این پژوهش به بررسی تأثیر عدم شفافیت بانکی بر توانایی مقام نظارتی برای اعمال سیاست نظارتی چشم‌پوشی در دوران بحران بانکی می‌پردازد.

روش: جامعه آماری پژوهش، کلیه بانک‌های تجاری، طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ بود و داده‌های پژوهش، از صورت‌های مالی ۲۰ بانک تجاری طی سال‌های یاد شده به‌دست آمد. به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، از مدل رگرسیون OLS برای تجزیه و تحلیل داده‌های پانل استفاده شد. میزان شفافیت بانک، از دو روش رایج‌تری که در پژوهش‌های اخیر به‌کار رفته بود، سنجیده شد. علاوه بر این، برای کنترل اثرهای مخدوش‌کننده سال‌های مختلف، چند متغیر ساختگی به مدل‌های رگرسیون افزوده شد.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر وجود بحران در سال‌های بررسی‌شده، بین عدم شفافیت بانکی و چشم‌پوشی مقام نظارتی، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و این رابطه در این دو حالت قوی‌تر خواهد شد: نخست اینکه انگیزه‌های مقام نظارتی برای چشم‌پوشی بیشتر باشد و دوم، انگیزه‌های افراد برون‌سازمانی برای نظارت بیشتر باشد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، عدم شفافیت بانکی با احتمال ورشکستگی طی دوران بحران بانکی رابطه منفی و معناداری دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که عدم شفافیت بانکی، مقام نظارتی را قادر می‌سازد که در خصوص بانک‌های مرتبط به هم، سیاست چشم‌پوشی را اعمال کرده و از سرایت بحران بانکی جلوگیری کند.

کلیدواژه‌ها: بحران بانکی، چشم‌پوشی مقام نظارتی، عدم شفافیت بانکی

استناد: مهرانی، ساسان و محمدی اروجه، فائزه (۱۴۰۰). بررسی تأثیر عدم شفافیت بانکی بر توانایی اعمال سیاست چشم‌پوشی توسط مقام نظارتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۸(۳)، ۴۸۷-۵۰۶.

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴۰۰، دوره ۲۸، شماره ۳، صص. ۴۸۷-۵۰۶

DOI: 10.22059/ACCTGREV.2021.324265.1008560

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲، پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه

یکی از مباحثی که در ایران به‌تازگی در کانون توجه قرار گرفته است، شفافیت اطلاعات بانک‌هاست. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که یکی از عوامل مؤثر بر بحران‌های مالی، عدم شفافیت بانکی است که موجب شده است افراد برون‌سازمانی نتوانند میزان سلامت و ریسک هر بانک را برآورد کنند (بانک تسویه بین‌المللی^۱، ۲۰۱۲). در مقابل، تعدادی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شفافیت بانک‌ها همیشه هم مطلوب نیست (گورتون^۲، ۲۰۱۳؛ دنگ، گورتون، هولمسترام و اوردنز^۳، ۲۰۱۳). موریسون و وایت^۴ (۲۰۱۳) نشان داده‌اند که افشای عمومی مشکلات هر بانکی، می‌تواند به گسترش عدم اطمینان به بانک‌های سالمی منجر شود که زیر نظر مقام نظارتی مشترک فعالیت می‌کنند. سیریتو^۵ (۲۰۱۳) نیز نشان داد که افزایش شفافیت، می‌تواند به هجوم سپرده‌گذاران به بانک برای برداشت سپرده خود منجر شود.

از طرف دیگر، یکی از وظایف مقام نظارتی، خاتمه فعالیت بانک‌های مشکل‌دار است. هرچند، مقام نظارتی همیشه تصمیم نمی‌گیرد که به فعالیت بانک‌های مشکل‌دار خاتمه دهد، بلکه گاهی با اجازه ادامه فعالیت به آنها، از این موقعیت چشم‌پوشی می‌کند. این چشم‌پوشی برای بانک‌های مشکل‌دار این فرصت را فراهم می‌کند تا به رفتارهای پُریسک خود ادامه دهند و این موضوع ممکن است به افزایش هزینه‌های تصفیه و انحلال بانک منجر شود. از طرفی چشم‌پوشی می‌تواند انتخاب محافظه‌کارانه‌ای برای ادامه فعالیت بانک بدون مداخله‌های هزینه‌بر باشد (سنتومرو و هافمن^۶، ۱۹۹۸) و از گسترش مشکل بانک به سایر مؤسسه‌ها و خدشه‌دار شدن اطمینان به نظام بانکی جلوگیری کند (الن و گیل^۷، ۲۰۰۰؛ موریسون و وایت، ۲۰۱۳).

این پژوهش به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا عدم شفافیت بانکی، توانایی مقام نظارتی را برای اعمال سیاست نظارتی چشم‌پوشی تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر. به علاوه، اهمیت عدم شفافیت زمانی بیشتر می‌شود که اولاً، انگیزه‌های مقام نظارتی برای چشم‌پوشی قوی باشد (این انگیزه با میزان مرتبط بودن بانک‌ها به یکدیگر اندازه‌گیری می‌شود) و ثانیاً، انگیزه‌های افراد برون‌سازمانی برای نظارت بیشتر باشد (این انگیزه با نسبت اعتباردهندگان غیر از سپرده‌گذاران به کل بدهی اندازه‌گیری می‌شود). در این پژوهش سعی داریم به نقش حسابداری، به‌عنوان یکی از عوامل مهم مؤثر بر شفافیت بانکی در سطح بانک، در تصمیم مقام نظارتی برای اعمال سیاست چشم‌پوشی بپردازیم.

با توجه به بانک‌محور بودن اقتصاد کشور ما، بانک‌ها نقش بااهمیتی در اقتصاد دارند، از این رو، نظارت بر آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تشکیل صندوق ضمانت سپرده‌ها و همچنین، تدوین مقررات ناظر بر ورشکستگی مندرج در پیش‌نویس لایحه قانون بانکداری، از جمله تدابیری بود که با هدف صیانت از سپرده‌های سپرده‌گذاران و حفظ ثبات نظام بانکی و اقتصادی کشور اندیشیده شد. تاکنون پژوهش‌های داخلی متعددی به بحث افشا در بانک‌ها پرداخته‌اند و بیشتر بر ارزیابی میزان افشا متمرکز بوده‌اند؛ اما شفافیت بانکی تاکنون بررسی نشده است. بررسی مقاله‌ها و مجله‌های

1. Bank for International Settlements

2. Gorton

3. Dang, Gorton, Holmstrom & Ordoñez

4. Morrison & White

5. Siritto

6. Santomero and Hoffman

7. Allen and Gale

علمی و پژوهشی بانکداری نیز نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی در خصوص ارزیابی رویکردهای متفاوت نظارتی بانک مرکزی در مقابل بانک‌های مشکل‌دار، صورت نگرفته است و تنها روحانی و پرهیزکاری (۱۳۹۶) و صندوق بین‌المللی^۱ (۲۰۱۴) در بررسی‌های خود به شواهد اعمال سیاست چشم‌پوشی توسط بانک مرکزی پرداخته‌اند. با توجه به مباحث پیش‌گفته، پژوهش حاضر به بررسی ابعاد اجتماعی شفافیت بانک‌ها و نقش حسابداری در تعیین رفتار مقام نظارتی پرداخته است و تحلیل نتایج آن به مقام نظارتی برای اخذ رویکرد متناسب با وضعیت اقتصادی کمک خواهد کرد.

مبانی نظری پژوهش

شفافیت یا عدم‌شفافیت بانکی

بسیاری از محققان و قانون‌گذاران تفاوتی میان افشا و شفافیت قائل نیستند و تصور می‌کنند که افشای بیشتر، لزوماً به بهبود شفافیت منجر می‌شود، هرچند باید میان این دو مفهوم تفاوت قائل شد. افشا، عمل ارائه اطلاعات به بازار است، در صورتی که شفافیت فقط زمانی رخ می‌دهد که اطلاعات قابل اتکاست و به‌درستی در بازار تفسیر و استفاده می‌شود (بانک تسویه بین‌المللی، ۲۰۱۵). بانک‌ها به دلیل ریسک‌پذیری و نقش خود در تغییر سررسید، ماهیت مبهم و غیرشفافی دارند و به همین دلیل، بدون ارائه اطلاعات در خصوص وضعیت مالی، ریسک‌پذیری و رویه‌های حاکمیت شرکتی، ارزیابی آنها دشوار است (مورگان^۲، ۲۰۰۲؛ فلنری، وان و نیمالندران^۳، ۲۰۱۳).

وجود بازارهای مالی شفاف به انتظام بانک‌ها توسط بازار کمک می‌کند، اگرچه این سازوکار مستلزم وجود اطلاعات کامل است که خود با چندین مشکل همراه است. اول آنکه با وجود صندوق‌های ضمانت سپرده، سپرده‌گذاران انگیزه‌ای برای تمایز میان بانک‌های خوب و بد ندارند. مشکل بعدی به پیچیدگی فعالیت‌های بانک‌ها مربوط می‌شود (گورتن، ۲۰۱۳). بانک‌ها در ساختار بدهی با شرکت‌های تولیدی متفاوت‌اند و این موضوع موجب می‌شود که سازوکارهای نظارت بر آنها متفاوت باشد. بخش عمده‌ای از بدهی بانک‌ها را سپرده‌گذاران تشکیل می‌دهند که معمولاً بدهی آنها توسط صندوق‌های ضمانت سپرده تضمین می‌شود. در نتیجه، برخلاف شرکت‌های تولیدی، اصلی‌ترین اعتباردهندگان بانک‌ها، انگیزه‌ای برای نظارت بر بانک ندارند، هرچند سایر اعتباردهندگان بانک‌ها، غیر از سپرده‌گذاران، برای نظارت بر بانک‌ها انگیزه کافی دارند (جان، مهران و کیان^۴، ۲۰۰۷). از طرفی، نتایج بعضی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شفافیت، ریسک هجوم بانکی را افزایش می‌دهد (جانگر^۵، ۲۰۱۸).

انتظام بازار، یکی از الزامات ثابت صنعت بانکداری است و در تعیین واکنش بازار نسبت به افشای اطلاعات نقش مهمی دارد. مشکلات در این زمینه، از دو بُعد مطرح می‌شود و به انگیزه سرمایه‌گذاران برای انتظام بانک‌ها و بی‌انگیزگی بانک‌ها برای افشای اطلاعات مربوط می‌شود. در طول دوره بحران، دسترسی به نقدینگی برای همه بانک‌ها محدود است و انتظام بازار به جای آنکه به‌عنوان ابزاری برای تمایز میان بانک‌های با مشکل نقدینگی و بدون مشکل نقدینگی

1. International Monetary Fund
2. Morgan
3. Flannery, Kwan & Nimalendran
4. John, Mehran & Qian
5. Jungherr

عمل کند، موجب هراس بازار می‌شود. اگرچه باید به این نکته توجه شود که دلایل نبود انتظام بازار در دوران رونق و بحران متفاوت است. به نظر می‌رسد در دوران رونق، نبود انتظام بازار بیشتر به دلیل بی‌انگیزگی سرمایه‌گذاران برای استفاده یا تقاضای اطلاعات باشد. در مقابل در دوره بحران، مشکل اصلی این است که در اوج نیاز به شفافیت، دستیابی به آن دشوار است.

چشم‌پوشی مقام نظارتی

معمولاً اقدام‌های نظارتی در دوران ثبات، مقرر می‌دارند که بانک‌های ورشکسته به سرعت تصفیه شوند و از طریق قوانین مربوط به تضمین سپرده، فقط بخشی از سپرده‌ها به سپرده‌گذاران پرداخت شود. با این حال، در دورانی که ریسک سیستمی وجود دارد، احتمال دارد که این سیاست‌ها عدم اطمینان را تشدید کند و به نتایج فاجعه‌آمیزی منجر شود. از این رو، ممکن است مقام نظارتی بخواهد که در دوره‌های بحران بانکی، به طور موقت به بانک‌ها اجازه دهد که بعضی از موازین احتیاطی را رعایت نکنند. این چشم‌پوشی به سهام‌داران بانک اجازه می‌دهد که بتوانند در دوره مشخص و محدودی، ضمن بازسازی بانک، به تعهدهای خود به طور کامل عمل کنند (صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی^۱، ۲۰۰۹). زمانی که سیستم بانکی ضعیف باشد، دولت به تصاحب یا انحلال بانک‌های مشکل‌دار تمایل کمتری دارد، همچنین ورشکستگی تعداد زیادی بانک، برای بانک‌های بزرگ‌تر، به خصوص در دوران کسری بودجه دولت، تأثیر شدیدی دارد (براون و دینک، ۲۰۱۱).

پژوهش‌های مربوط به مزایا و معایب سیاست چشم‌پوشی، نتایج متناقضی داشته‌اند. بعضی بر این باورند که صرفه‌جویی در هزینه‌های نشست‌گرفته از چشم‌پوشی‌های موفقیت‌آمیز، بیشتر از هزینه‌های تحمیل‌شده بابت بانک‌هایی است که با وجود چشم‌پوشی، ورشکست شده‌اند (برینکمن، هورویتز، بینگ لین^۲، ۱۹۹۶). از طرفی، بعضی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اعمال سیاست چشم‌پوشی، به افزایش هزینه‌های انحلال منجر می‌شود؛ زیرا مالکان بانک‌های مشکل‌دار، تمایل بیشتری به ریسک‌پذیری دارند (کول و وایت^۳، ۲۰۱۷). در سطح بین‌المللی، انتقاد به چشم‌پوشی مقام نظارتی، به تصویب قانونی در سال ۱۹۹۱ منجر شد که بر اساس آن، مقامات نظارتی ملزم بودند در خصوص مؤسسه‌های اعتباری که سرمایه آنها کافی نیست و به حداقل لازم نمی‌رسد، اقدام‌های فوری اصلاحی اعمال کنند. هرچند با کاهش مؤسسه‌های مشکل‌دار و ورشکستگی بانک‌ها، اهمیت اقدام فوری اصلاحی فروکش کرد (کول و وایت، ۲۰۱۷).

تمایل به این چشم‌پوشی ممکن است به دلایل سیاسی (میشکین^۴، ۲۰۰۰؛ براون و دینک^۵، ۲۰۰۵)، از دست‌رفتن اعتبار (بوت و ثاکر^۶، ۱۹۹۳؛ میشکین، ۲۰۰۰) یا نگرانی در خصوص سلامت بخش مالی (براون و دینک، ۲۰۱۱؛ موریسون و وایت، ۲۰۱۳) باشد. یکی از دلایل اعمال سیاست چشم‌پوشی نظارتی، از بین رفتن انگیزه‌های مقام ناظر برای حفاظت از بانک‌های تحت نظارت خود است (کین^۷، ۱۹۹۰؛ بوت و ثاکور، ۱۹۹۳). مقام نظارتی ممکن است به‌جای منافع

1. World Bank
2. Brinkmann, Horvitz & Ying-Lin
3. Cole and White
4. Mishkin
5. Brown & Dinc
6. Boot & Thakor
7. Kane

اجتماعی، به دنبال منافع خود باشد. تمایل مقام نظارتی به کسب اعتبار به عنوان ناظر بانکی توانمند، می‌تواند سیاست‌های مرتبط با انحلال بانک‌های مشکل‌دار را مخدوش سازد (بوت و تاکور، ۱۹۹۳). همچنین واکنش مقام نظارتی، معمولاً به دلیل ملاحظات بودجه‌ای و سیاسی با تأخیر همراه است (الن و ساندرز^۱، ۲۰۰۴؛ بروان و دینک، ۲۰۰۵).

به موجب بند ب ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور که در سال ۱۳۵۱ تصویب شد، بانک مرکزی وظیفه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری را برعهده دارد. علاوه بر قانون پولی و بانکی، ماده ۲ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی نیز، بر نقش نظارت بانک مرکزی تأکید می‌کند. همچنین، آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسه‌های غیردولتی مصوب ۱۳۹۳ نیز، ابزارهای نظارتی بیشتری را در اختیار بانک مرکزی قرار داده است. نظارت بانک مرکزی در سه مرحله از فعالیت بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری، یعنی مراحل قبل از اعطای مجوز، تأسیس بانک و فعالیت بانک، اعمال می‌شود. رویکرد نظارتی بانک مرکزی تا سال ۱۳۸۱، صرفاً تطبیقی و در راستای رعایت تکالیف تعیین شده از سوی دولت برای بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری کشور بود. از سال ۱۳۸۲ به بعد و با انتشار و جهانی شدن دستورالعمل‌های کمیته بال و بانک تسویه بین‌المللی، رویکرد نظارتی بانک مرکزی به رویکرد مبتنی بر ریسک تغییر یافت (تهرانفر و قلی بگلو، ۱۳۹۳).

چشم‌پوشی مقام نظارتی و عدم شفافیت بانکی

اطلاعات حسابداری، در نظارت افراد برون‌سازمانی بر بانک‌ها نقش بااهمیتی دارد (بوشمن و ویلیامز^۲، ۲۰۱۲). در صورتی که مشکلات بانکی از طریق اطلاعات حسابداری برای افراد برون‌سازمانی آشکار شود، مقام نظارتی برای انحلال بانک تحت فشار قرار می‌گیرد (روچت^۳، ۲۰۰۵). از طرف دیگر، در صورتی که بانک از طریق عدم شفافیت، مشکلات و ریسک‌های خود را از افراد برون‌سازمانی مخفی سازد، مقام نظارتی ممکن است بتواند با موفقیت از بانک مشکل‌دار چشم‌پوشی کند (بوشمن و لندزمن^۴، ۲۰۱۰).

دیدگاه مقامات قانون‌گذار به گزارشگری مالی و تأثیر آن بر بحران متناقض است. از یک طرف، مقام‌های نظارتی با اقدام‌های خود باعث شده‌اند که عدم شفافیت ترازنامه مؤسسه‌های اعتباری و اخلال در انتظام بازار افزایش پیدا کند (مانند اجازه به مؤسسه‌های اعتباری برای عدم احتساب ذخیره برای مطالبات مشکوک‌الوصول) و از طرف دیگر، اقدام‌هایی مانند الزام به افشای نتایج آزمون‌های بحران انجام داده‌اند که موجب تقویت توانایی بازار برای تمایز میان سطوح مختلف ریسک و رشکستگی میان مؤسسه‌های اعتباری و در نتیجه افزایش انتظام بازار شده است (فریساس و لاکس^۵، ۲۰۱۲).

یکی از عوامل بالقوه در سطح بانک که بر توانایی مقام نظارتی جهت اعمال چشم‌پوشی تأثیر می‌گذارد، عدم شفافیت محیط اطلاعاتی بانک‌هاست. بخش مستند بازل سه نشان می‌دهد که انتظام بازار، به‌ویژه توسط افراد برون‌سازمانی، به‌جز مقام نظارتی، در نظارت بر مؤسسه‌های مالی نقش مهمی دارد. در صورتی که با مشکل‌دار شدن بانک سایر ذی‌نفعان وارد عمل شوند (برای نمونه، سپرده‌گذاران سپرده‌های خود را برداشت کنند)، مقام نظارتی مجبور به

1. Allen and Saunders
2. Bushman and Williams
3. Rochet
4. Bushman and Landsman
5. Freixas and Laux

دخالت می‌شود؛ زیرا چشم‌پوشی وی می‌تواند برای خود یا دولت بسیار پرهزینه باشد. در نتیجه، توانایی اعمال چشم‌پوشی توسط مقام نظارتی، تابعی از نظارت توسط سایر ذی‌نفعان است.

پیشینه تجربی پژوهش

در پژوهش‌های داخلی، صفرزاده و جعفری‌منش (۱۳۹۸) به بررسی نقش کیفیت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌های ایرانی در مواجهه با بحران‌های سیستم بانکی پرداخته‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که هرچه بانک‌ها بیشتر دچار بحران شده و در آستانه ورشکستگی قرار گیرند، کیفیت گزارشگری آنها نیز کاهش می‌یابد و همچنین، مدیران بانک‌های ایرانی با پذیرش ریسک بیشتر، ذخایر اختیاری بیشتری را نیز شناسایی کرده‌اند تا در زمان رویایی با بحران، برای آنها کارساز شود. نتایج بحری ثالث و قادری (۱۳۹۷) میزان تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی را با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت افشا بررسی کردند. بر اساس نتایج آنها، افزایش شفافیت مالی بانک‌ها بر افزایش تعامل بین حاکمیت شرکتی و اثربخشی عملکرد بانک‌ها تأثیر ندارد. روحانی و پرهیزکاری (۱۳۹۶) با بررسی صورت‌های مالی و شاخص‌های عملکرد بانک‌ها نشان دادند که بسیاری از مقررات نظارتی در بانک‌ها رعایت نمی‌شود و این تخلف‌ها در بسیاری موارد، هرساله تکرار می‌شود. کرمی و صدیقی (۱۳۹۴) به ارزیابی سطح افشای بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین، بررسی رابطه چند ویژگی راهبری شرکتی با آن پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سطح افشای بانک‌ها با توجه به میانگین سطح افشا، در حد متوسط به پایین است.

در پژوهش‌های خارجی، احمد و مالک^۱ (۲۰۱۷) نقش چشم‌پوشی مقام نظارتی در برقراری ثبات مالی را با استفاده از ابزار عدم شفافیت بررسی کردند و نشان دادند بانک‌هایی که از آنها چشم‌پوشی شده است، توانسته‌اند ثبات خود را بهبود بخشند. کول و وایت (۲۰۱۷) هزینه‌های ناشی از چشم‌پوشی نظارتی را دنبال کردند. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده لزوم رویکرد فعالانه‌تر توسط مقامات نظارتی بانکی، از طریق ذخیره‌گیری بیشتر برای مطالبات مشکوک‌الوصول و حذف مطالبات سوخت شده است. این راهکارها باعث می‌شود که اقدام‌های اصلاحی فوری، هزینه‌های انحلال بانک‌های مشکل‌دار را کاهش دهد. پارلاتوره^۲ (۲۰۱۵) به بررسی شفافیت بانک‌ها و ارتباط آن با هجوم بانکی پرداخت. نتایج وی نشان داد که افزایش شفافیت، هماهنگی رفتار ن‌سپرده‌گذاران را تقویت می‌کند و این امر موجب افزایش آسیب‌پذیری بانک‌ها نسبت به هجوم بانکی، کاهش تسهیم ریسک و کاهش ثروت می‌شود. گالمر^۳ (۲۰۱۳) به بررسی تأثیر عدم شفافیت بانکی بر توانایی اعمال سیاست چشم‌پوشی توسط مقام نظارتی پرداخت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عدم شفافیت بانکی با اعمال سیاست چشم‌پوشی نظارتی رابطه مستقیم و با احتمال ورشکستگی در طول دوران بحران بانکی رابطه معکوس دارد. به علاوه، این تأثیر زمانی قوی‌تر می‌شود که انگیزه مقام نظارتی برای اعمال سیاست چشم‌پوشی بیشتر است و افراد برون‌سازمانی انگیزه بیشتری برای نظارت دارند.

1. Ahmed and Mallick

2. Parlatores

3. Gallemore

کوچرلاکوتا و شیم^۱ (۲۰۰۷) به بررسی دو نوع واکنش مقام نظارتی شامل چشم‌پوشی و اقدام فوری اصلاحی در مقابل بانک‌های مشکل‌دار پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اقدام اصلاحی فوری، همیشه مطلوب نیست. در واقع، واکنش مناسب مقام نظارتی به ماهیت شوکی که سیستم بانکی را تحت تأثیر قرار داده است، بستگی زیادی دارد. چن و حسن^۲ (۲۰۰۶) شفافیت سیستم بانکی و ارتباط آن با ورشکستگی بانک‌ها را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش شفافیت بانک‌ها به دلیل افزایش احتمال سرایت هجوم بانکی، موجب کاهش رفاه سپرده‌گذاران می‌شود. افزون بر این، سیستم ضمانت سپرده‌ها می‌تواند از هجوم‌های بانکی جلوگیری کند.

با توجه به مبانی نظری و مطالعات پیشین و همچنین، در راستای دستیابی به اهداف پژوهش حاضر، فرضیه‌های زیر تدوین شده است. در این فرضیه‌ها علاوه بر بررسی رابطه میان عدم شفافیت بانکی با چشم‌پوشی مقام نظارتی (فرضیه اول)، تأثیر انگیزه‌های مقام نظارتی (فرضیه دوم) و تأثیر انگیزه نظارت افراد برون‌سازمانی (فرضیه سوم) بر این رابطه بررسی شده است:

۱. عدم شفافیت با چشم‌پوشی مقام نظارتی رابطه مستقیم دارد.
۲. رابطه مستقیم میان عدم شفافیت بانک و چشم‌پوشی مقام نظارتی در بانک‌های مرتبط به هم قوی‌تر است.
۳. رابطه مستقیم میان عدم شفافیت بانک و چشم‌پوشی مقام نظارتی در بانک‌هایی قوی‌تر است که سهم بیشتری از بدهی آنها را غیرسپرده‌گذاران تشکیل می‌دهند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر نتیجه اجرا کاربردی، از دیدگاه فرایند اجرا کمی، از نظر منطق اجرا قیاسی استقرایی، از دیدگاه هدف اجرا تحلیلی تجربی و از نظر بُعد زمانی طولی - گذشته‌نگر است. به‌منظور دستیابی به داده‌های پژوهش، از اطلاعات صورت‌های مالی منتشرشده در سامانه کدال و آمارهای اقتصادی انتشار یافته توسط بانک مرکزی استفاده شده است. در مرحله بعد، از نرم‌افزار اکسل و همچنین برای آزمون‌های آماری، از نرم‌افزارهای ایویز نسخه ۱۰ و استاتا نسخه ۱۴ استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه مدنظر این پژوهش، کلیه بانک‌های تجاری و دوره زمانی آن، سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ بوده است. براساس اطلاعات مندرج در پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی، ۲۳ بانک تجاری در کشور مجوز فعالیت دارند که صورت‌های مالی ۲۰ بانک در دسترس است. از این رو، در مجموع، داده‌ها برای ۲۰ بانک و ۱۴ دوره جمع‌آوری شده است. برای تعیین حجم نهایی نمونه آماری، هر بانک - سال باید داده‌های کاملی برای کلیه متغیرها داشته باشد. به همین دلیل، تعداد نمونه نهایی به ۱۶۷ بانک - سال کاهش پیدا کرد. شایان ذکر است که برای آزمون فرضیه اول که از هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول احتیاطی به‌عنوان شاخص عدم شفافیت بانکی استفاده شده است، تعداد نمونه‌ها به ۱۴۹ بانک - سال کاهش یافت.

انتخاب بانک‌های تجاری طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ دارای چندین ویژگی جهت آزمون تأثیر عدم شفافیت بانکی بر چشم‌پوشی نظارتی است. اول آنکه بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از شاخص فشار بازار پول، اقتصاد ایران طی سال‌های یادشده، وضعیت بحران بانکی را تجربه کرده است و همان‌طور که پیش از این اشاره شد، در دوران بحران بانکی، مقام نظارتی تمایل بیشتری به اعمال سیاست چشم‌پوشی دارد. دوم آنکه طی این سال‌ها، شواهدی دال بر اعمال سیاست چشم‌پوشی توسط بانک مرکزی ارائه شده است (روحانی و پرهیزکاری، ۱۳۹۶؛ صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۴). سوم آنکه مدل کسب‌وکار بانک‌های تجاری ساده است (جذب سپرده و اعطای تسهیلات) و می‌توان نتیجه گرفت که مقام نظارتی از ریسک بانک‌ها آگاهی داشته و تصمیم‌گیری مبنی بر عدم مداخله، بیش از آنکه به بی‌توجهی منتسب شود، به چشم‌پوشی مربوط می‌شود. چهارم آنکه بانک‌های منتخب، محیط قانونی و اقتصادی مشابهی دارند.

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

مدل برآورد شاخص فشار بازار پول

شاخص تنش بازار پول از طریق مدل ۱ برآورد می‌شود (مشیری و نادعلی، ۱۳۹۲):

$$MPI_t = \frac{\Delta \gamma_t}{\sigma_{\Delta \gamma}} + \frac{\Delta r_t}{\sigma_{\Delta r}} \quad \text{مدل ۱}$$

در این رابطه، MPI شاخص فشار بازار پول؛ $\Delta \gamma$ تغییرات در نسبت بدهی به بانک مرکزی به سپرده‌های بانکی و Δr تغییرات در نرخ بهره حقیقی کوتاه‌مدت است.

مدل آزمون فرضیه اول

برای آزمون فرضیه اول از مدل ۲ استفاده می‌شود:

$$Forbear_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 Bank\ Opacity_{i,t} + \sum_j \beta_j Controls_{j,i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل ۲}$$

Forbear: شاخص چشم‌پوشی مقام نظارتی است (متغیر وابسته).
 Bank Opacity: شاخص عدم شفافیت است (متغیر مستقل) که با استفاده از دو متغیر تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول (DELR) و هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول احتیاطی (DLLP) اندازه‌گیری می‌شود.
 Controls: مجموعه‌ای از متغیرهای کنترل و مربوط به وضعیت بانک است که بر شروع و نحوه اجرای اقدام‌های نظارتی مقام ناظر تأثیر می‌گذارد (اداره نظارت بر ارز^۱، ۲۰۰۱؛ گالمور^۲، ۲۰۱۳). این متغیرها عبارت‌اند از:

- اندازه (Size) که با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود و سایر شاخص‌ها در تناسب با آن ارزیابی می‌شود؛

- مانده تسهیلات تقسیم بر کل دارایی‌ها (Loans) به‌عنوان معیار کیفیت دارایی‌ها؛

- نسبت موجودی نقد به سپرده‌ها (Liquidity) به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری ریسک نقدینگی؛

- انحراف معیار بازده سالانه دارایی‌ها طی ۳ سال گذشته (ROA Volatility) به‌عنوان معیاری برای ریسک؛
- دو متغیر هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول تقسیم بر تسهیلات (Loan Loss Provision) و ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول تقسیم بر تسهیلات (Loan Loss Reserve) جهت لحاظ ریسک اعتباری.

مدل آزمون فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم از مدل ۳ استفاده می‌شود:

$$Forbear_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 DELR_{i,t} + \beta_2 Connectedness_{i,t} + \beta_3 DELR_{i,t} * Connectedness_{i,t} + \sum_j \beta_j Controls_{j,i,t} + \varepsilon_i \quad (3)$$

Connectedness معیار ارتباط بانک‌ها با یکدیگر است که برای اندازه‌گیری آن از متغیرهای اندازه بزرگ (High Size) (آچاریا، فیلیپون، ریچاردسون و رویینی^۱، ۲۰۰۹) و مطالبات/بدهی بین‌بانکی بالا (High BorrowLend) (گالمور، ۲۰۱۳) استفاده خواهد شد. اندازه بزرگ معیاری است که اگر جمع دارایی‌های یک بانک بیش از میانه کل بانک‌ها باشد ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود. مطالبات/بدهی بین‌بانکی بالا معیاری است که اگر مانده مطالبات/بدهی بین‌بانکی یک بانک بیش از میانه کل بانک‌ها باشد ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود.

مدل آزمون فرضیه سوم

برای آزمون فرضیه سوم از مدل ۴ استفاده می‌شود:

$$Forbear_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 DELR_{i,t} + \beta_2 High Nondepository debtholders_{i,t} + \beta_3 DELR_{i,t} * High Nondepository debtholders_{i,t} + \sum_j \beta_j Controls_{j,i,t} + \varepsilon_i \quad (4)$$

High Nondepository debtholders معیار انگیزه نظارت افراد برون‌سازمانی است و برای اندازه‌گیری آن از نسبت بدهی غیر از سپرده‌ها به کل بدهی‌ها استفاده می‌شود. اگر نسبت مزبور برای یک بانک بیش از میانه کل بانک‌ها باشد و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود (جان و همکاران، ۲۰۰۷).

روش اندازه‌گیری عدم شفافیت بانکی

در این پژوهش از دو روش برای اندازه‌گیری عدم شفافیت بانکی استفاده شده است. در روش اول که مبتنی بر پژوهش‌هایی مانند بیٹی و لیائو^۲ (۲۰۱۱) و بوشمن و ویلیامز (۲۰۱۲) است، تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به‌عنوان شاخص عدم شفافیت بانکی در نظر گرفته شده است. بانک‌هایی که ذخیره کافی در حساب‌ها منظور نمی‌کنند، معمولاً آن دسته از رویه‌های حسابداری را انتخاب می‌کنند که موجب افزایش عدم شفافیت می‌شود (هوئیزینگا و لائون^۳، ۲۰۱۲).

1. Acharya, Philippon, Richardson & Roubini
2. Beatty and Liao
3. Huizinga & Laeven

میزان تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول با «مازاد قدرت توضیح‌دهندگی تسهیلات غیرجاری فعلی و آتی نسبت به تسهیلات غیرجاری گذشته در توضیح هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول فعلی» تعریف می‌شود. دو رگرسیون زیر باید برای هر بانک برآورد می‌شود.

$$LLP_t = \beta_0 + \beta_1 \Delta NPL_{t-1} + \beta_2 \Delta NPL_{t-2} + \beta_3 Tier1Ratio_{t-1} + \beta_4 EBLLP_t + \beta_5 Size_{t-1} + \varepsilon_t \quad (مدل ۵)$$

$$LLP_t = \beta_0 + \beta_1 \Delta NPL_{t+1} + \beta_2 \Delta NPL_t + \beta_3 \Delta NPL_{t-1} + \beta_4 \Delta NPL_{t-2} + \beta_5 Tier1Ratio_{t-1} + \beta_6 EBLLP_t + \beta_7 Size_{t-1} + \varepsilon_t \quad (مدل ۶)$$

که در این دو مدل، LLP هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول تقسیم بر کل تسهیلات؛ NPL مطالبات غیرجاری تقسیم بر کل تسهیلات؛ Tier 1 Ratio نسبت سرمایه پایه درجه یک؛ EBLLP سود قبل از مالیات و هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول و Size لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها در ابتدای دوره است.

زیان مورد انتظار شناسایی شده (ELR) برابر با ضریب تعیین تعدیل شده به دست آمده از مدل ۶ منهای ضریب تعیین تعدیل شده مدل ۵ است و در نتیجه قدرت توضیح‌دهندگی تغییرات جاری و آتی تسهیلات غیرجاری برای هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول جاری را اندازه‌گیری می‌کند. برای اندازه‌گیری میزان تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول (DELR)، زیان مورد انتظار شناسایی شده به روش فوق را در منفی یک ضرب می‌کنیم.

در روش دوم که مبتنی بر پژوهش‌هایی مانند بیتی و لیائو^۱ (۲۰۱۴) و بوشمن، هندریکس و ویلیامز^۲ (۲۰۱۶) است، هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول احتیاطی، به‌عنوان شاخص عدم شفافیت بانکی در نظر گرفته شده است. هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول احتیاطی، از باقی‌مانده برآورد رگرسیون هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول با متغیرهای مؤثر بر آن به شرح زیر به دست می‌آید:

$$LLP_t = \beta_0 + \beta_1 \Delta NPL_{t+1} + \beta_2 \Delta NPL_t + \beta_3 \Delta NPL_{t-1} + \beta_4 \Delta NPL_{t-2} + \beta_5 Size_{t-1} + \beta_6 \Delta Loan_t + \beta_7 GDP_t + \beta_8 \Delta UNEMP_t + \varepsilon_t \quad (مدل ۷)$$

که در آن، GDP تولید ناخالص ملی و UNEMP نرخ بیکاری است. به‌منظور کنترل وضعیت اقتصاد کلان بر هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول، متغیرهای مربوط به تغییر تولید ناخالص ملی و تغییر نرخ بیکاری به مدل فوق اضافه شده‌اند. رشد تولید ناخالص ملی دارای رابطه معکوس و رشد نرخ بیکاری دارای رابطه مستقیم با هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول هستند (بیتی و لیائو، ۲۰۱۴).

روش اندازه‌گیری چشم‌پوشی مقام نظارتی

مقام نظارتی بانکی، معمولاً انحلال بانک‌ها را به‌صورت عمومی اعلام می‌کند؛ اما تصمیم خود مبنی بر چشم‌پوشی از یک

1. Beatty & Liao

2. Bushman, Hendricks & Williams

بانک خاص را به صورت عمومی اعلام نمی‌کند. در این پژوهش، از احتمال ورشکستگی به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری چشم‌پوشی مقام نظارتی استفاده شده است. برای این منظور، ابتدا رگرسیون زیر برای بانک‌ها برآورد می‌شود (ویلاک و ویلسون^۱، ۲۰۰۰؛ لو و ویدی^۲، ۲۰۱۲):

$$Fail_t = \beta_0 + \beta_1 Tier1Ratio_t + \beta_2 NPL_t + \varepsilon_t \quad (مدل ۸)$$

که در آن، Fail ورشکستگی بانک است و در صورتی که بانک دارای زیان انباشته باشد، برابر ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود.

نسبت سرمایه پایه^۳ درجه یک (Tier1Ratio) و نسبت مطالبات غیرجاری (NPL) معمولاً برای اندازه‌گیری سلامت بانک به کار می‌رود و نتایج پژوهش‌های پیشین، قدرت پیش‌بینی آنها از ورشکستگی بانک را نشان می‌دهد. نسبت سرمایه درجه یک، مهم‌ترین معیاری است که مقام نظارتی برای تعیین سلامت بانک استفاده می‌کند. کاهش این نسبت به میزان تعیین‌شده توسط مقام نظارتی از دلایل مهم انحلال بانک است. از آنجا که نسبت سرمایه پایه درجه یک، تحت تأثیر رویه‌های حسابداری قرار می‌گیرد، نسبت مطالبات غیرجاری نیز به عنوان شاخصی برای کیفیت پرتفوی تسهیلات بانک در نظر گرفته می‌شود^۳. هرچه نسبت مطالبات غیرجاری بیشتر باشد، احتمال ورشکستگی افزایش می‌یابد. از رگرسیون فوق، احتمال ورشکستگی برای هر سال - بانک پیش‌بینی شده و چشم‌پوشی مقام نظارتی برابر با میزان احتمال ورشکستگی برآورد می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در جدول ۱ داده‌های مربوط به ۲۰ بانک طی دوره ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۲ بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین نسبت تسهیلات به کل دارایی‌ها در بانک‌های در دست بررسی ۰/۶۰ است. همچنین نسبت سپرده‌ها به کل دارایی‌ها نیز ۰/۷۹ به دست آمده است (این نسبت جزء متغیرهای پژوهش نیست و در جدول نمایش داده نشده است). این نسبت‌ها مؤید پیش‌فرض مطرح‌شده در خصوص مدل ساده کسب‌وکار بانک‌های تجاری بر پایه جذب سپرده و اعطای تسهیلات استوار است. همچنین با توجه به مثبت بودن میانگین و میانگین دو متغیر تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول و هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول احتیاطی، می‌توان نتیجه گرفت که عدم شفافیت بانکی، یکی از شاخص‌های بانک‌های محل بحث است. برای درک بهتر از وضعیت ریسک اعتباری بانک‌های بررسی‌شده، نسبت مطالبات غیرجاری در کنار نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات ارزیابی شده است. جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین نسبت

1. Wheelock & Wilson

2. Lu and Whidbee

۳. مطالبات غیرجاری تحت تأثیر مدیریت سود مبتنی بر حسابداری تعهدی قرار نمی‌گیرد؛ اما می‌تواند تحت تأثیر مدیریت سود واقعی باشد. برای نمونه، بانک می‌تواند با اعطای تسهیلات جدید به مشتریان دارای تسهیلات غیرجاری جهت تسویه تسهیلات غیرجاری قبلی، طبقه‌بندی مطالبات از مشتری مذکور را از طبقه غیرجاری به طبقه جاری منتقل کند.

مطالبات غیرجاری در بانک‌های در دست بررسی، ۱۸ درصد است و از طرف دیگر، به‌طور میانگین تنها حدود ۶ درصد از آن به‌عنوان ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول در حساب‌ها منظور شده است. همچنین، میانگین و میانه نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های مذکور، حدود ۵ درصد است که به‌مراتب از حداقل مقدار مقرر شده توسط بانک مرکزی (۸ درصد) کمتر است. این در حالی است که اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد مقدار این نسبت حتی برای بعضی از بانک‌ها منفی دارد.

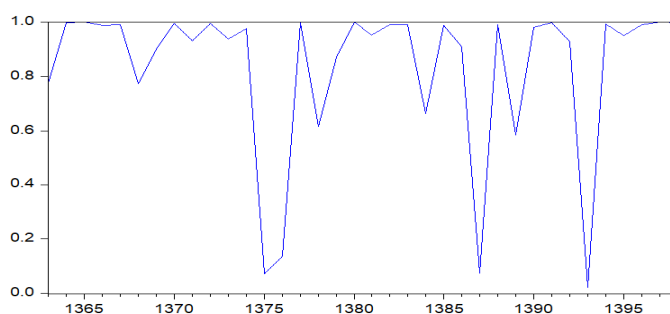
جدول ۱. آمار توصیفی برای متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	انحراف معیار
تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول	۰/۰۰۵	۰/۰۱۱	۰/۶۵۶	-۰/۶۵۶	۰/۲۱۸
هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول احتیاطی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۳۱	-۰/۱۰۱	۰/۰۱۵
چشم‌پوشی	۰/۳۱۵	۰/۱۲۶	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۷۳
ورشکستگی	۰/۳۱۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۷
اندازه	۱۹/۴۲۴	۱۹/۱۹۰	۲۲/۰۳۸	۱۶/۲۴۶	۱/۳۲۱
نسبت تسهیلات به کل دارایی‌ها	-۰/۵۸۹	-۰/۶۰۲	۰/۹۰۴	۰/۲۴۸	۰/۱۲۳
نوسان‌های بازده دارایی‌ها	-۰/۰۱۱	-۰/۰۰۷	۰/۱۳۲	۰/۰۰۱	۰/۰۱۶
نقدینگی	-۰/۰۱۰	-۰/۰۰۸	۰/۰۴۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶
نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات	-۰/۰۵۹	-۰/۰۵۰	۰/۴۹۰	۰/۰۱۵	۰/۰۴۶
نسبت هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات	-۰/۰۱۰	-۰/۰۰۶	۰/۰۸۲	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲
اندازه بزرگ	۰/۴۶۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۰۰
مطالبات/بدهی بین‌بانکی بالا	۰/۴۰۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۹۳
بدهی غیر از سپرده بالا	-۰/۴۸۹	-۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۰۱
نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات	-۰/۱۸۰	-۰/۱۷۰	۰/۹۳۳	۰/۰۰۱	۰/۱۲۴
نسبت سرمایه لایه یک	-۰/۰۴۷	-۰/۰۵۷	۰/۵۰۲	-۱/۹۹۰	۰/۱۸۹

نتایج آزمون مدل‌های پژوهش

به‌منظور بررسی شرایط شبکه بانکی در سال‌های مدنظر پژوهش، ابتدا شاخص فشار بازار پول برای اقتصاد ایران محاسبه و برای شناسایی بحران بانکی از مدل ساده چرخشی مارکف دو وضعیتی استفاده شده است. شکل ۱ احتمال وضعیت بحران حاصل از مدل ساده چرخشی مارکف را نشان می‌دهد. بررسی این نمودار نشان می‌دهد که به‌جز سال ۱۳۹۳، کلیه سال‌های در دست آزمون (۱۳۹۸ تا ۱۳۹۲) به‌عنوان نقاط بحرانی شناسایی شده‌اند.

گفتنی است از آنجا که استفاده از رویکرد آزمون‌های انتخاب الگو (شامل رویکردهای تلفیقی، اثرهای ثابت و تصادفی) همواره با ابهام‌های زیادی همراه است و قابلیت اتکای نتایج آن به برقراری مفروضات زیادی بستگی دارد (افلاطونی، ۱۳۹۷: ۳۴۳)، آزمون کلیه مدل‌های پژوهش به روش داده‌های ترکیبی با کنترل اثرهای دوره‌ها انجام شده است. به‌دلیل ارائه خلاصه نتایج، اطلاعات مربوط به متغیرهای موهومی زمان درج نشده است.



شکل ۱. احتمال شاخص بحرآن

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش با دو روش اندازه‌گیری عدم شفافیت بانکی، یعنی تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول و هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول احتیاطی به شرح جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه اول

مدل ۴ - DLLP			مدل ۴ - DELR			متغیر
آماره t	احتمال	ضریب	آماره t	احتمال	ضریب	
			۱/۸۱۳	۰/۰۷۱	۰/۱۴۲	تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول
۱/۹۶۰	۰/۰۵۲	۳/۵۵۱				هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول احتیاطی
۵/۵۴۴	۰/۰۰۰	۰/۱۴۴	۴/۳۷۰	۰/۰۰۰	۰/۱۱۰	اندازه
-۲/۱۴۶	۰/۰۳۳	-۰/۴۵۱	-۵/۰۱۴	۰/۰۰۰	-۰/۶۳۶	نسبت تسهیلات به کل دارایی‌ها
۳/۲۷۷	۰/۰۰۱	۵/۱۸۵	۱/۵۰۲	۰/۱۳۵	۳/۳۸۷	نوسان‌های بازده دارایی‌ها
۰/۷۶۹	۰/۴۴۳	۳/۳۵۰	-۰/۴۱۶	۰/۶۷۷	-۱/۳۸۸	نقدینگی
۱/۸۴۳	۰/۰۶۷	۱/۸۱۱	۲/۴۱۳	۰/۰۱۷	۲/۴۸۹	نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات
			-۰/۰۳۵	۰/۹۷۱	-۰/۰۷۷	نسبت هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۲/۵۲۰	-۳/۶۳۹	۰/۰۰۰	-۱/۷۵۰	مقدار ثابت
	۰/۹۰۹			۰/۶۱۸		ضریب تعیین
	۰/۸۹۷			۰/۵۶۹		ضریب تعیین تعدیل شده
	۷۲/۹۲۷			۱۲/۵۴۷		مقدار آماره F
	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		احتمال آماره F
	۳/۵۶۲			۳/۹۹۷		مقدار آماره آزمون ولدریج
	۰/۰۸۱			۰/۰۶۱		مقدار احتمال آماره آزمون ولدریج

نتایج برآورد مدل ۲ با استفاده از دو شاخص مختلف برای عدم شفافیت بانکی، مشابه و گویای آن است که عدم شفافیت بیشتر، موجب توانایی مقام نظارتی در اعمال چشم‌پوشی می‌شود (تأیید فرضیه اول). متغیر نوسان نرخ بازده دارایی‌ها (شاخص ریسک بانک) و اندازه بانک نیز با چشم‌پوشی مقام نظارتی، رابطه مستقیم و معناداری دارد. مقدار احتمال آماره F آزمون ولدریج نیز نشان می‌دهد که بین جمله‌های خطا خود هم‌بستگی وجود ندارد.

برای آزمون فرضیه دوم، مدل ۲ به‌طور جداگانه برای بانک‌هایی که متغیر مطالبات/بدهی بین‌بانکی بالا (اندازه

بزرگ) در آنها برابر با ۱ و صفر است، برآورد شده است. از سوی دیگر، مدل ۳ نیز برای کلیه بانک‌ها برآورد شده است. به دلیل ارائه خلاصه نتایج، فقط اطلاعات مربوط به متغیرهای در دست آزمون ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه دوم

High BorrowLend			High Size			متغیر	
۳	۲	۲	۳	۲	۲	مدل	
کل	۰	۱	کل	۰	۱	نمونه	
۰/۱۱۲	۰/۱۳۵	۰/۴۹۹	-۰/۰۶۲	۰/۰۰۹	۰/۳۲۸	ضریب	تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول
۱/۲۵۸	۰/۹۴۰	۲/۹۱۲	-۰/۵۰۹	۰/۰۶۰	۳/۰۱۴	آماره t	
۰/۲۱۰	۰/۳۴۹	۰/۰۰۵	۰/۶۱۱	۰/۹۵۲	۰/۰۰۴	احتمال	
			۰/۱۴۱			ضریب	اندازه بزرگ
			۳/۲۹۳			آماره t	
			۰/۰۰۱			احتمال	
			۰/۳۶۰			ضریب	تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول × اندازه بزرگ
			۲/۳۶۶			آماره t	
			۰/۰۱۹			احتمال	
۰/۱۰۹						ضریب	مطالبات/بدهی بین‌بانکی بالا
۱/۹۷۰						آماره t	
۰/۰۵۰						احتمال	
۰/۱۷۱						ضریب	تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول × مطالبات/بدهی بین‌بانکی بالا
۰/۸۷۸						آماره t	
۰/۳۸۱						احتمال	
۱۶۷	۱۰۴	۶۳	۱۶۷	۹۰	۷۷		تعداد مشاهدات
۰/۵۷۷	۰/۲۲۰	۰/۶۸۳	۰/۶۰۳	۰/۴۹۳	۰/۷۷۰		ضریب تعیین تعدیل شده
۱۱/۸۱۶	۲/۵۳۷	۸/۰۳۰	۱۳/۰۳۵	۵/۵۶۴	۱۴/۳۹۴		آماره F
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		مقدار احتمال آماره F
۴/۰۸۹			۳/۹۹۷				مقدار آماره آزمون ولدریج
۰/۰۵۹			۰/۰۶۲				مقدار احتمال آماره آزمون ولدریج

مطابق با نتایج جدول ۳، فرضیه ۲ مبنی بر آنکه رابطه مستقیم میان عدم شفافیت بانک و چشم‌پوشی مقام نظارتی در بانک‌های مرتبط به هم قوی‌تر است، تأیید می‌شود. شایان ذکر است که آزمون‌های فوق با استفاده از هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول احتیاطی، به‌عنوان متغیر دوم عدم شفافیت بانکی نیز برآورد و نتایج آن تأیید شد. برای آزمون فرضیه سوم، مدل ۲ برای بانک‌هایی که متغیر نسبت بدهی غیر سپرده در آنها برابر با ۱ و صفر است، به‌طور جداگانه برآورد شد. همچنین مدل ۴ برای کلیه بانک‌ها برآورد شد. به دلیل ارائه خلاصه نتایج، فقط اطلاعات مربوط به متغیرهای آزمون شده در جدول درج شده است. ستون اول جدول ۴، رابطه مثبت و معنادار عدم شفافیت بانکی و چشم‌پوشی مقام نظارتی را برای بانک‌هایی نشان می‌دهد که نسبت بدهی غیر از سپرده آنها بالا است (انگیزه بالای نظارت افراد برون‌سازمانی). ستون دوم نیز نشان می‌دهد در بانک‌هایی که نسبت بدهی غیر از سپرده آنها پایین است، این

رابطه مثبت است؛ اما معنادار نیست. همچنین نتایج ارائه شده در ستون سوم نیز نشان دهنده تأثیر مثبت نسبت بدهی غیر از سپرده بر رابطه عدم شفافیت بانکی و چشم‌پوشی نظارتی است. از این رو، فرضیه ۳ مبنی بر آنکه رابطه مستقیم میان عدم شفافیت بانک و چشم‌پوشی مقام نظارتی برای بانک‌هایی که سهم بیشتری از بدهی آنها غیر از سپرده است (انگیزه بالا برای نظارت توسط افراد برون سازمانی) تأیید می‌شود. شایان ذکر است که آزمون‌های فوق با استفاده از هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول احتیاطی به‌عنوان متغیر دوم عدم شفافیت بانکی نیز برآورد و نتایج آن تأیید شد.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه سوم

مدل	۲	۲	۴
نمونه	۰	۱	کل
تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول	۷/۷۲۸	۱۸/۴۷۳	۸/۰۶۱
	۱/۶۵۶	۳/۷۸۴	۲/۰۷۹
	۰/۱۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹
نسبت بدهی غیر از سپرده بالا			۰/۱۴۳
			۲/۸۳۲
			۰/۰۰۵
تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول × بدهی غیر از سپرده بالا			۶/۶۷۰
			۲/۶۷۶
			۰/۰۰۸
تعداد مشاهدات	۸۶	۸۱	۱۶۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۷۷	۰/۸۰۳	۰/۶۴۷
آماره F	۹/۲۸۸	۱۶/۵۰۲	۱۳/۹۵۱
مقدار احتمال آماره F	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مقدار آماره آزمون ولدریج			۳/۹۹۷
مقدار احتمال آماره آزمون ولدریج			۰/۰۶۱

عدم شفافیت بانکی و ورشکستگی

براون و دینک (۲۰۱۱)، چشم‌پوشی مقام نظارتی را با استفاده از وقوع ورشکستگی بررسی کردند. برای بررسی تأثیر عدم شفافیت بانکی بر ورشکستگی بانک‌ها، رابطه ۲ با استفاده از متغیر ورشکستگی به‌جای چشم‌پوشی به‌عنوان متغیر وابسته و اضافه کردن متغیرهای نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات و نسبت سرمایه لایه یک به‌عنوان متغیرهای کنترل از طریق رویکرد لاجیت برآورد شد. جدول ۵ نتایج این رگرسیون‌ها را نمایش می‌دهد (فقط نتایج مربوط به متغیرهای بررسی شده نشان داده شده است). نتایج این جدول نشان می‌دهد که عدم شفافیت بانکی با ورشکستگی بانک‌ها رابطه منفی دارد و همچنین، نسبت کفایت سرمایه و نسبت مطالبات غیرجاری با احتمال ورشکستگی بانک‌ها رابطه دارد.

جدول ۵. نتایج برآورد مدل مربوط به ورشکستگی بانکها

نام متغیر	ضریب	احتمال	آماره t
تأخیر در شناسایی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول	-۲/۸۰۶	۰/۰۴۶	-۱/۹۸۹
نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات	-۵۹/۱۲۹	۰/۰۰۰	-۴/۴۱۹
نسبت سرمایه لایه یک	۷/۵۳۸	۰/۰۲۷	۲/۲۰۲
ضریب تعیین مکفادن	۰/۴۸۳	آماره نسبت راست‌نمایی	۷۵/۲۷۷
مقدار احتمال آماره نسبت راست‌نمایی	۰/۰۰۰	درصد صحت پیش‌بینی	۹۱/۶۲

آزمون علیت گرنجر

برای اطمینان از جهت رابطه بین متغیرهای عدم شفافیت بانکی و چشم‌پوشی نظارتی، آزمون علیت گرنجر اجرا شد. نتایج آزمون در جدول ۶ گزارش شده است. با توجه به فرضیه صفر این آزمون و مقادیر احتمال به‌دست‌آمده، تنها متغیر عدم شفافیت بانکی بر چشم‌پوشی مقام نظارتی تأثیر دارد و رابطه دوسویه بین متغیرهای مزبور وجود ندارد.

جدول ۶. نتایج آزمون علیت گرنجر

فرضیه صفر	آماره F	مقدار احتمال
عدم شفافیت بانکی علیت گرنجری چشم‌پوشی نظارتی نیست.	۲/۴۳۴	۰/۰۹۱
چشم‌پوشی نظارتی علیت گرنجری عدم شفافیت بانکی نیست.	۱/۳۹۹	۰/۲۵۰

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تاکنون پژوهش‌های زیادی در خصوص عدم شفافیت بانکها و ارتباط آن با متغیرهای متعدد انجام شده است، هرچند پژوهش‌هایی که به ارتباط میان عدم شفافیت بانکی و نحوه عمل مقام نظارتی پرداخته‌اند، اندک است. نتایج آزمون فرضیه‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عدم شفافیت بانکی با چشم‌پوشی مقام نظارتی رابطه مستقیمی دارد و این ارتباط در دو موقعیت قوی‌تر است: ۱. انگیزه مقام نظارتی برای اعمال چشم‌پوشی بیشتر باشد (ارتباط زیاد بانکها) و ۲. انگیزه نظارت افراد برون‌سازمانی بیشتر باشد (نسبت بدهی غیر از سپرده بالا). این نتایج به تبیین شرایطی می‌پردازد که تحت آن مقام نظارتی در اعمال سیاست چشم‌پوشی موفقیت بیشتری دارد. همچنین، نتایج بررسی‌های تکمیلی این پژوهش نشان می‌دهد که عدم شفافیت بانکی با احتمال ورشکستگی طی دوران بحران بانکی رابطه منفی و معناداری دارد. رابطه مستقیم عدم شفافیت بانکی با چشم‌پوشی مقام نظارتی و رابطه منفی آن با ورشکستگی بانکها نشان می‌دهد که عدم شفافیت بانکی، علاوه بر کاهش احتمال ورشکستگی بانکها، به مقامات نظارتی این امکان را می‌دهد تا به بانکهای مشکل‌دار اجازه فعالیت دهند.

نتایج این پژوهش به مباحث مربوط به مطلوبیت یا عدم مطلوبیت عدم شفافیت بانکی کمک می‌کند. بر اساس نتایج بعضی از پژوهش‌ها، عدم شفافیت بانکی می‌تواند به بروز بحران‌های بانکی منجر شود (بانک تسویه بین‌المللی، ۲۰۱۲)،

در مقابل، بعضی از پژوهش‌ها به مطلوبیت عدم شفافیت بانکی اشاره کرده‌اند (دنگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ سیریتو، ۲۰۱۳؛ گالمور ۲۰۱۳) و معتقدند که عدم شفافیت بانکی این امکان را برای مقام نظارتی فراهم می‌کند تا از بانک‌ها چشم‌پوشی کرده و از مداخله هزینه‌بر و گسترش مشکل به کل شبکه بانکی جلوگیری کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عدم شفافیت بانکی، می‌تواند مطلوب باشد و همچنین با نتایج پژوهش گالمور (۲۰۱۳) هماهنگی دارد.

نتایج این پژوهش دارای چندین محدودیت است. اول آنکه چشم‌پوشی مقام نظارتی ماهیت دیده‌شدن ندارد. در این پژوهش نیز مطابق با پژوهش‌های پیشین در این زمینه، از برآورد چشم‌پوشی مقام نظارتی استفاده شده است و شدت اعمال این سیاست نیز در کانون توجه قرار گرفته است. دوم آنکه ممکن است عدم مداخله مقام نظارتی، به دلیل ناآگاهی از وجود مشکل در بانک‌های غیرشفاف باشد. هرچند با توجه به ماهیت ساده کسب‌وکار بانک‌ها (جذب سپرده و اعطای تسهیلات) و شواهد تجربی موجود در خصوص اعمال سیاست چشم‌پوشی (روحانی و پرهیزکاری، ۱۳۹۶؛ صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۴)، این امر بعید به نظر می‌رسد. سوم آنکه این نتایج به سایر شرایط (دوره بدون بحران بانکی) تعمیم‌پذیر نیست. بانک‌های تجاری بررسی شده در این پژوهش، مدل کسب‌وکار ساده‌ای داشتند و به نظر نمی‌رسد ذی‌نفعان این بانک‌ها (عمدتاً سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران) توانایی تشخیص عدم شفافیت بانک‌ها را در طول دوران بحران داشته باشند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی ارتباط عدم شفافیت بانکی و چشم‌پوشی مقام نظارتی در خصوص بانک‌های غیرتجاری (برای نمونه تخصصی) یا دوره‌های غیربحران بانکی بپردازند.

منابع

- افلاطونی، عباس (۱۳۹۷). *اقتصاد سنجی در پژوهش‌های مالی و حسابداری با نرم افزار ایویوز*. تهران: انتشارات ترمه.
- تقی نتاج، غلامحسن؛ بحری ثالث، جمال؛ قادری، قدرت (۱۳۹۷). تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌ها با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت افشا. *فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی*، ۴(۱)، ۱۲۷-۱۵۱.
- تهرانفر، حمید؛ قلی بگلو، محمدرضا (۱۳۹۳). ساختار، فرایند و رویه‌های نظارتی نهادهای ناظر بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری. *بیست‌وچهارمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی*، تهران، خرداد ۱۳۹۳.
- روحانی، سیدعلی؛ پرهیزکاری، سیدعباس (۱۳۹۶). نظارت مؤثر بر بانک‌ها و اقتدار مقام ناظر بانکی در ایران. *بیست‌وهفتمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی*، تهران، تیر ۱۳۹۶.
- صفرزاده، محمدحسین؛ جعفری منش، ابراهیم (۱۳۹۸). نقش کیفیت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌های ایرانی در مواجهه با بحران‌های سیستم بانکی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۳)، ۴۳۵-۴۵۵.
- کریمی، غلامرضا؛ صدیقی، فریده (۱۳۹۴). سطح افشا و عوامل تعیین‌کننده آن در بانک‌ها با تأکید بر سازوکارهای راهبری شرکتی و محوریت اسلامی. *تحقیقات مالی*، ۱۷(۲)، ۳۵۷-۳۷۶.
- مشیری، سعید؛ نادعلی، محمد (۱۳۹۲). شناسایی عوامل مؤثر در بروز بحران بانکی در اقتصاد ایران. *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۳(۴۸)، ۱-۲۷.

References

- Acharya, V. V., Philippon, T., Richardson, M. & Roubini, N. (2009). *A bird's-eye view: the financial crisis of 2007-2009: causes and remedies*. Hoboken, N.J.: JohnWiley & Sons.
- Aflatooni, A. (2019). *Econometrics in finance and accounting researches using Eviews*. Tehran, Termeh publications. (in Persian)
- Ahamed, M. M., & Mallick, S. (2017). Does regulatory forbearance matter for bank stability? Evidence from creditors' perspective. *Journal of Financial Stability*, 28(C), 163-180.
- Allen, F., & Gale, D. (2000). Financial contagion. *Journal of Political Economy*, 108 (1), 1-33.
- Allen, L., & Saunders, A. (2004). Incorporating systemic influences into risk measurements: A survey of the literature. *Journal of Financial Services Research*, 26, 161-191.
- Bank for International Settlements. (2012). 82nd Annual Report. Available from <http://www.bis.org/publ/arpdf/ar2012e.pdf>.
- Bank for International Settlements. (2015). The interplay of accounting and regulation and its impact on bank behavior: literature review. *Working paper*.
- Beatty, A., & Liao, S. (2011). Do delays in expected loss recognition affect banks' willingness to lend? *Journal of Accounting & Economics*, 52 (1), 1-20.
- Beatty, A., & Liao, S. (2014). Financial accounting in the banking industry: A review of the empirical literature. *Journal of Accounting and Economics*, 58(2), 339-383.
- Boot, A. W. A., & Thakor, A. V. (1993). Self-interested bank regulation. *American Economic Review*, 83 (2), 206-212.
- Brinkmann, E. J., Horvitz, P. M., & Ying-Lin, H. (1996). Forbearance: An empirical analysis. *Journal of Financial Services Research*, 10 (1), 27-41.
- Brown, C. O., & Dinç, I. S. (2005). The politics of bank failures: evidence from emerging markets. *Quarterly Journal of Economics*, 120 (4), 1413-1444.
- Brown, C. O., & Dinç, I. S. (2011). Too many to fail? Evidence of regulatory forbearance when the banking sector is weak. *Review of Financial Studies*, 24 (4), 1378-1405.
- Bushman, R. M., & Williams, C. D. (2012). Accounting discretion, loan loss provisioning, and discipline of banks' risk-taking. *Journal of Accounting Economics*, 54 (1), 1-18.
- Bushman, R. M., Hendricks, B. E., & Williams, C. D. (2016). Bank competition: measurement, decision-making, and risk-taking. *Journal of Accounting Research*, 54 (3), 777-826.
- Bushman, R., & Landsman, W. R. (2010). The pros and cons of regulating corporate reporting: A critical review of the arguments. *Accounting Business Research*, 40 (3), 259-273.
- Chen, Y., & Hasan, I. (2006). The transparency of the banking system and the efficiency of information-based bank runs. *Journal of Financial Intermediation*, 15(3), 307-331.
- Cole, R. A., & White, L. J. (2017). When time is not on our side: The costs of regulatory forbearance in the closure of insolvent banks. *Journal of Banking Finance*, 80(C), 235-249.

- Dang, T. V., Gorton, G., Holmstrom, B., & Ordoñez, G. (2013). Banks as secret keepers. *Working paper*. Columbia University, Yale University, MIT, University of Pennsylvania, and NBER.
- Flannery, M. J., Kwan, S. H., & Nimalendran, M. (2013). The 2007–2009 financial crisis and bank opaqueness. *Journal of Financial Intermediation*, 22(1), 55-84.
- Freixas, X., & Laux, C. (2012). Disclosure, transparency, and market discipline. In Dewatripont, M and X Freixas (eds), *The crisis aftermath: New regulatory paradigms*, London: Centre for Economic Policy Research.
- Gallemore, J. (2013). Does Bank Opacity Enable Regulatory Forbearance? *Working paper*, Chicago Booth.
- Gorton, G. (2013). The development of opacity in U.S. banking. *Working paper*. Yale University.
- Huizinga, H., & Laeven, L. (2012). Bank valuation and accounting discretion during a financial crisis. *Journal of Financial Economics*, 106(3), 614-634.
- International Monetary Fund and the World Bank. (2009). *An Overview of the Legal, Institutional, and Regulatory Framework for Bank Insolvency*, the Staffs of the International Monetary Fund and the World Bank For the IMF, approved by Sean Hagan and Christopher Towe.
- International Monetary Fund. (2014). *Islamic Republic of Iran: Staff Report for the 2014 Article IV Consultation*.
- John, K., & Mehran, H., & Qian, Y. (2007). *Regulation, subordinated debt, and incentive features of CEO compensation in the banking industry*. Staff Reports 308, Federal Reserve Bank of New York.
- Jungherr, J. (2018). Bank opacity and financial crises. *Journal of Banking & Finance*, 97(C), 157-176.
- Kane, E. J. (1990). Principal-agent problems in S&L salvage. *Journal of Finance*, 45 (3), 755–764.
- Karami, G., & Sedighi, F. (2015). Disclosure level and its determinants in Banks with emphasis on corporate governance mechanisms and Islamic centrality. *Financial Research Journal*, 17(2), 357-376. (in Persian)
- Kocherlakota, N. R., & Shim, I. (2007). Forbearance and prompt corrective action. *Journal of Money, Credit and Banking*, 39(5), 1107-1129.
- Lu, W., & Whidbee, D. A. (2012). U.S. bank structure, fragility, bailout, and failure during the U.S. financial crisis. *Working paper*. Washington State University.
- Mishkin, F. S. (2000). Prudential supervision: Why is it important and what are the issues? *Working paper*. National Bureau of Economic Research.
- Morgan, D. (2002). Rating banks: risk and uncertainty in an opaque industry. *The American Economic Review*, 92(4), 874-888.

- Morrison, A. D., & White, L. (2013). Reputational contagion and optimal regulatory forbearance. *Journal of Financial Economics*, 110 (3), 642-658.
- Moshiri, S., & Nadali, M. (2013). The determinants of banking crises in Iranian economy. *Journal of Economic Research*, 13 (48), 1-27. (in Persian)
- Office of the Comptroller of the Currency. (2001). *An Examiner's Guide to Problem Bank Identification, Rehabilitation, and Resolution*.
- Parlatore, C. (2015). *Transparency and Bank Runs*. Microeconomics: Asymmetric & Private Information eJournal.
- Rochet, J. C. (2005). Prudential policy. *Monetary and Economic Studies*, 23 (1), 93-119.
- Rohani, S. A., & Parhizkari, S. A. (2017). Effective supervision and the power of banking regulator in Iran. *The 27th Annual Conference on Monetary and Exchange Rate Policy*. Tehran. (in Persian)
- Safarzadeh, M.H., & Jafarimanesh, I. (2019). The Role of Iranian Banks' Loan Loss Provision Quality in Dealing with Banking System Crisis. *Accounting and Auditing Review*, 26(3), 435-455. (in Persian)
- Santomero, A. M., & Hoffman, P. (1998). Problem bank resolution: Evaluating the options. *Working paper*. Wharton Financial Institutions Center.
- Siritto, C. P. (2013). Transparency and bank runs. *Working paper*. University of Pennsylvania.
- Taghi Nataj, G., Bahri Sales, J., & Ghaderi, G. (2019). The impact of corporate governance quality on the financial performance of banks with emphasis on the moderating role of disclosure quality. *Quarterly Journal of Islamic Finance and Banking Studies*, 4 (1), 127-151. (in Persian)
- Tehranfar, H., & Gholibeglu, M. R. (2014). Structure, process and supervisory procedures on banking regulator. *The 24th Annual Conference on Monetary and Exchange Rate Policy*. Tehran. (in Persian)
- Wheelock, D. C., & Wilson, P. W. (2000). Why do banks disappear? The determinants of U.S. bank failures and acquisitions. *Review of Economics & Statistics*, 82 (1), 127-138.